

Investigating Citizen`s Economic Rights and its Contradiction with Public Interest in Light of Imam Khomeini`s View

*Mehri Toutounchian¹, Seyyed Mohammad Reza Emam²,
Ahmad Reza Khazae³*

Abstract

Citizenship economic rights are a meaningful and influential concept in the rights of every country, which is always to be considered by juristic, and the recognition of this proposition makes it possible to better understand the status of the rights of people in each country. In the legal system of Iran and Islam, especially after the Islamic Revolution, looking at citizenship economic rights, has been based on the domination of individuals on his property and ours. The main issue we are facing is the independence or lack of independence of citizenship economic rights from the public interest, and this is due to the difference in public and private rights. The main distinction of public and private law is that private law is related to contractual relations between equal and equal parties and public rights are governed by the relations of the parties between whom there is a relationship of sovereignty and nationality. Therefore, in public law, the state, by using its own means of governance, seeks to achieve public goals, and in the private law of individuals, by concluding contracts, they seek their own private interests, which makes it important that Imam Khomeini Had a special look and a broad view of the concept of expediency and did not constrain it within the framework of transactions; and according to his view, the individual and social interests of people are not in conflict, but complement each other, and whenever both Together in the decisions of the community leadership, society will lead to prosperity. In this research, we try to examine the status of citizenship economic rights in Islamic law according to Imam Khomeini's views.

1. Ph.D. student in Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Corresponding author) Email: mremam@ut.ac.ir

3. Assistant Professor Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Original Article Received: 26 May 2018 Accepted: 5 September 2018

Keywords

Citizenship Economic Rights, Public and Private Benefits, Dominance, Benefit

Please cite this article as: Toutounchian M, Emam SMR, Khazaei AR. Investigating Citizen`s Economic Rights and its Contradiction with Public Interest in Light of Imam Khomeini`s View. Iran J Med Law 2018; 12(46): 155-175.

حقوق اقتصادی شهروندی و تعارض آن با منافع عمومی با تأکید بر نظر امام خمینی (ره)

مهری توتونچیان^۱

سید محمد رضا امام^۲

احمد رضا خزائی^۳

چکیده

حقوق اقتصادی شهروندی مفهومی پربار و اثرگذار در حقوق هر کشور است که همواره محل بحث حقوقدانان بوده و تشخیص این قضیه موجب هرچه بهتر شناختن جایگاه حقوق مردم در هر کشور می‌گردد. در نظام حقوقی ایران و اسلام به ویژه پس از انقلاب اسلامی نگاه به حقوق اقتصادی شهروندی، نگاهی مبتنی بر سلطه اشخاص بر اموال و ما یملک خود بوده است. مسأله اصلی که با آن رو به رو هستیم، استقلال یا عدم استقلال حقوق اقتصادی شهروندی از منافع عمومی است و این مسأله ناشی از تفاوت حقوق عمومی و حقوق خصوصی می‌باشد. تمایز اصلی حقوق عمومی و خصوصی در این است که حقوق خصوصی با روابط قراردادی فیما بین طرف‌های هم‌تراز و برابر در ارتباط است و حقوق عمومی با روابط طرف‌هایی که بین آن‌ها رابطه حاکمیت و تابعیت برقرار است. بنابراین در حقوق عمومی، دولت با استفاده از ابزار حاکمیتی خویش به دنبال نیل به اهداف عمومی است و در حقوق خصوصی اشخاص با انعقاد قراردادها به دنبال نفع خصوصی خویش هستند و این مسأله از آنجا مهم می‌نماید که امام خمینی (ره) نگاه ویژه و دیدگاه وسیعی به مفهوم مصلحت داشته و آن را در چارچوب معاملات محدود نمی‌ساخت و مطابق با دیدگاه ایشان مصلحت‌های فردی و اجتماعی مردم نه تنها با هم

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: mremam@ut.ac.ir (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

در ستیز نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند و هر گاه هر دو با هم در تصمیم‌های رهبری جامعه در نظر گرفته شوند، جامعه به سوی سعادت رهنمون خواهد شد. در این پژوهش سعی بر آن است تا جایگاه حقوق اقتصادی شهروندی را در حقوق اسلام با توجه به دیدگاه‌های امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار دهیم.

واژگان کلیدی

حقوق اقتصادی شهروندی، نفع عمومی و خصوصی، تسلیط، منفعت

مقدمه

حقوق اقتصادی، بر مبنای ضرورت‌های فعلی جامعه و با توجه به کارکرد قاعده‌های حقوقی به وجود آمده است. این مفهوم از مجموعه عرف‌ها و قاعده‌های حقوقی، تشریفات، و روش‌هایی قوام پیدا کرده است. حقوق اقتصادی شهروندی با به کارگیری اصول و قواعد حقوقی، زمینه حفظ حقوق شهروندان در موضوعات مهم اقتصادی نظیر قیمت کالا و خدمات، قیمت ارز، دستمزد کارگران، سود بانکی، مالیات‌ها، رقابت و حقوق مصرف‌کننده و بسیاری از عناوین دیگر اقتصادی را فراهم می‌سازد. در این زمینه، حقوق شهروندی اقتصادی با دسته‌بندی مسائل موجود و بر مبنای کارکرد آن‌ها، سعی بر ایجاد نظم، عدالت و تعادل در روابط بین اشخاص حقیقی و حقوقی در عرصه اجتماع را دارد.

مفهوم حقوق شهروندی اقتصادی

این حقوق در واقع به حق طبیعی هر فرد برای برخورداری از استانداردهای رفاه اقتصادی مربوط گردیده و به عبارتی حقوق مذکور خدمات رفاهی را در سطح اقتصادی دربر می‌گیرد. حقوق اقتصادی بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۰ میلادی به یکی از اجزای اساسی حقوق شهروندی تبدیل شد، به طوری که پارسانوز جامعه‌شناس آمریکایی از آن به عنوان «عضویت کامل در عرصه اجتماعی جامعه» تعبیر کرده است. این حقوق شامل موارد زیر می‌باشد:

- حمایت‌های مادی و درآمدی، مانند تأمین مسکن، تأمین شغل، پرداخت حقوق و مزایای کافی، برخورداری از حداقل دستمزد، تأمین اجتماعی (در صورت بیکاری، بیماری، از کارافتادگی، پیری، بی‌سرپرستی، حوادث و سوانح).

- برخورداری از حق مالکیت.

- حق کارکردن.

- حق برابری در فرصت‌ها (آموزش، بازار کار و...).

از نظر اسلام تمامی انسان‌ها اعم از زن و مرد، پیر و جوان از هر طبقه و گروه اجتماعی و با هر فرهنگ و زبانی دارای فرصت‌های برابر اجتماعی می‌باشند و هیچ کس در امتیازهای اجتماعی تقدیمی بر دیگری نداشته و حکومت اسلامی موظف به خدمت‌رسانی به تمامی مردم چه در شهر و چه در روستا می‌باشد.

حقوق شهروندی اقتصادی از لحاظ ماهیت به منافع مادی و منفعت معنوی، از منظر سطح به منافع فردی و گروهی، ملی و بین‌المللی قابل تقسیم است.

در حقوق این عبارت دارای یک تعریف مشخص به ویژه در حقوق ما نمی‌باشد. عبارات و واژه‌های زیادی با این عبارت هم معنا دانسته شده‌اند، مانند مصلحت، مصلحت عمومی، مصلحت همگانی، خیر عام، خیر عمومی، خیر همگانی و... که در بیشتر موارد دارای معنای یکسانی می‌باشند.

فرهنگ آکسفورد دو تعریف از این عبارت دارد: ۱- نفع مشترک افراد از این حیث که می‌توانند اعضای عموم باشند؛ ۲- حاصل جمع منافع فردی افرادی که تحت تأثیر کنش مورد نظرند.

در تعریف نخست عموم نامشخص است و می‌تواند شامل هر کسی باشد. پس این تعریف مبتنی بر این است که هنگامی که افراد خود را به عنوان عضو بالقوه یک گروه نامشخص در نظر بگیرند و با این دریافت، منافع خصوصی خود را کنار بگذارند می‌توانند در یک نفع (مصلحت) اشتراک یابند. میان اراده عمومی و اراده همه تفاوت وجود دارد. اراده عمومی تنها نفع مشترک عمومی را در نظر می‌گیرد. حال آنکه اراده همه در پی نفع اختصاصی است و چیزی جز حاصل جمع نفع‌های شخصی نیست (۱).

هواداران تعریف دوم استدلال می‌کنند که مصلحت عموم نمی‌تواند بیشتر از حاصل جمع مصلحت افراد مرتبط با آن باشد که در محیط مادی‌شان لحاظ شده‌اند. این دو دیدگاه نخست برای عموم هویتی متفاوت و غیر قابل کاهش به افراد در نظر می‌گیرد؛ دیدگاهی که چنین هویتی را برای عموم نمی‌پذیرد و تنها به افراد اصالت می‌دهد. در ارتباط با این تعریف «نفع مشترک» هم وجود دارد. در فرهنگ آکسفورد آمده، سودی که بین تعدادی از افراد مشترک است یا سود یک مجموعه که قابل تجزیه نیست؛ در تعریف نخست چیزی جز سود افرادی معین نیست، ولی در تعریف دوم مبتنی بر این فرض است که سود و یا خیر یک موجود مانند اتحادیه را می‌توان تا اندازه‌ای از خیر و سود افرادی که آن را تأسیس کرده‌اند، متمایز دانست. پس بین مفاهیمی چون نفع عمومی، خیر مشترک، مصلحت عمومی و... تفاوتی دیده نمی‌شود و کاربرد آن‌ها نیز می‌تواند کاملاً یکسان باشد.

اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی (ره)

حضرت امام خمینی (ره) به عنوان معمار بزرگ انقلاب اسلامی طی دوران حیات سیاسی، علمی و مبارزاتی‌شان خطوط اساسی نهضت اسلامی را در زمینه‌های مختلف به طور واضح و روشن، بیان فرموده‌اند. یکی از مباحث بسیار مهم که در بیانات امام خمینی (ره) سهم عمده‌ای را به خود اختصاص داده‌است «مباحث اقتصادی» است. اندیشه‌های تابناک و پرفروغ حضرت امام خمینی (ره) در زمینه اقتصاد - هرچند توسط ایشان در قالب یک مکتوب تدوین نشده است - چارچوبی نظام یافته دارد و مبتنی بر اصول اسلامی است که حاکی از دقت و قابلیت استناد دیدگاه‌های آن حضرت است. اقتصاد یکی از ابعاد اندیشه‌های پیشوای بزرگ و بنیانگذار حکومت اسلامی در عصر حاضر است که از زمینه‌ها و ابعاد مهم حیات بشری است و هر روزه اهمیت آن در اداره امور جوامع در حال فزونی است و چارچوب حمایت از محرومان را بر ستون عدالت استوار کرده است. در اینجا اهداف نظام اقتصادی اسلام را که در سخنان معظم‌له مطرح شده است، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- اهداف نظام اقتصادی اسلام از دیدگاه امام خمینی (ره)

نظام اقتصادی اسلام دارای سمت و سو و اهداف مادی و معنوی معینی است که می‌توان آن‌ها را به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

- هدایت مردم به سمت اخلاق کریمه و ارزش‌های معنوی.
- استقرار عدالت اجتماعی و اقتصادی در جامعه.
- رشد استعدادها و شکوفایی قدرت ابتکار و خلاقیت انسان‌ها.
- ریشه‌کن کردن فقر در جامعه.
- اولویت‌دادن به منافع و مصالح مستضعفان و محرومان و رسیدگی خاص به آن‌ها.
- برآوردن نیازهای اقتصادی مشروع و معقول مردم.
- رشد و شکوفایی اقتصادی و بارور کردن تجارت، صنعت و کشاورزی و ...
- ایجاد رفاه، آسایش و امنیت اقتصادی برای عموم افراد جامعه.
- پرهیز از وابستگی اقتصادی به بیگانه و نفی سلطه اجانب بر اقتصاد کشور.
- گسترش مشارکت عمومی مردم به ویژه مستضعفان و محرومان در اقتصاد.

از نظر حضرت امام (ره) اقتصاد، اصولاً در اسلام هدف نیست، بلکه وسیله و ابزاری برای تکامل معنوی جامعه است. همچنین تبیین و پیاده کردن نظام اقتصادی اسلام به عهده علما و محققین اسلامی و کارشناسان مسلمان و متعهد است که باید اولاً نظام اقتصادی اسلام را مطابق نیازها، شرایط و مقتضیات روز از منابع اسلامی استخراج، تبیین و تدوین نمایند؛ ثانیاً طرح‌ها و برنامه‌هایی برای تحقق آن ارائه دهند (۲).

«مجموعه قواعد اسلامی در مسائل اقتصادی، هنگامی که در کل پیکره اسلام به صورت یک مکتب منسجم ملاحظه شود و همه‌جانبه پیاده شود، بهترین شکل ممکن خواهد بود، هم مشکل فقر را از میان می‌برد و هم از فاسدشدن یک عده به وسیله تصاحب ثروت جلوگیری می‌کند و در نتیجه کل جامعه را از فساد حفظ می‌کند و هم مانع رشد استعدادها و شکوفایی قدرت ابتکار و خلاقیت انسان‌ها نمی‌شود» (۳).

«باید نظام اقتصادی اسلام را در مجموعه قوانین و مقررات اسلامی، در کلیه زمینه‌ها و شؤون فردی و اجتماعی ملاحظه کرد. این مسلم است که از نظر اسلامی حل تمامی مشکلات و پیچیدگی‌ها در زندگی انسان‌ها تنها با تنظیم روابط اقتصادی به شکل خاص حل نمی‌شود و نخواهد شد، بلکه مشکلات را در کل یک نظام اسلامی باید حل کرد و از معنویت نباید غافل بود که کلید دردهاست» (۳).

«این بر عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرح‌ها و برنامه‌های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابرنه‌ها را ارائه دهند و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به درآورند، البته پیاده کردن مقاصد اسلام در جهان و خصوصاً برنامه‌های اقتصادی آن و مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه‌داری غرب و اشتراکی شرق، بدون حاکمیت همه‌جانبه اسلام میسر نیست و ریشه‌کن شدن آثار سوء و مخرب آنچه بسا بعد از استقرار نظام عدل و حکومت اسلامی همچون جمهوری اسلامی ایران نیازمند به زمان باشد، ولی ارائه طرح‌ها و اصولاً تبیین جهت‌گیری اقتصادی اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان، بزرگ‌ترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار می‌رود و بیان این حقیقت که صاحبان مال و منال در حکومت اسلامی هیچ امتیاز و برتری‌ای از این جهت بر فقرا ندارند و ابداً اولویتی به آنان تعلق نخواهد گرفت، مُسَلِّم راه شکوفایی و

پرورش استعدادهای خفته و سرکوب شده پابرهنگان را فراهم می‌کند و تذکر این مطلب که ثروتمندان هرگز به خاطر تمکن مالی خود نباید در حکومت و حکمرانان و اداره‌کنندگان کشور اسلامی نفوذ کنند و مال و ثروت خود را بهانه فخرفرشی و مباحثات قرار بدهند و به فقرا و مستمندان و زحمت‌کشان، افکار و خواسته‌های خود را تحمیل کنند، این خود بزرگ‌ترین عامل تعاون و دخالت‌دادن مردم در امور و گرایش آنان به اخلاق کریمه و ارزش‌های متعالی و فرار از تملق‌گویی‌ها می‌گردد و حتی بعض ثروتمندان را از این‌که تصور کنند که مال و امکاناتشان دلیل اعتبار آنان در پیشگاه خداست، متنبه می‌کند» (۳).

همبستگی یا تعارض حقوق اقتصادی شهروندی و منافع عمومی

در خصوص رابطه حقوق اقتصادی شهروندی و منفعت عمومی، دو حالت متصور است: همبستگی منفعت عمومی و منافع اقتصادی شهروندان و تعارض بین آن‌ها. بنا بر نظر همبستگی، توجه به منافع اقتصادی افراد، ناگزیر منفعت عمومی را دربر دارد و تنها راه تأمین منافع فردی، رعایت منافع عمومی می‌باشد، اما متعقدان به نظریه مخالف، یعنی تعارض بین منفعت عمومی و خصوصی اظهار می‌دارند که منفعت عمومی بر منفعت اقتصادی شهروندان برتری دارد و در بررسی‌های مربوطه به منفعت عمومی، نکته حائز اهمیت این است که اساساً کارکرد اولیه و اصلی کلیه قوانین حاکم بر کشورها، تأمین منافع عمومی جامعه است، من جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که عالی‌ترین سند حقوقی کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است و مهم‌ترین قوانین و مقررات حقوق عمومی هر کشور در قانون اساسی آن کشور بیان می‌شود.

ریشه جدایی دو حوزه حقوق عمومی و خصوصی همین تمایز و استقلال نفع عمومی و نفع تک‌تک شهروندان است که از زمان رم باستان وجود داشته است، ولی نه به شکل امروزی آن، یعنی در واقع بین نفع تک‌تک مردم و کل جامعه تفاوت قائل شدند و آن‌ها را از هم جدا ساختند. چیزی که نفع و یا حقوق عمومی را از نفع یا حقوق شهروند متمایز می‌کرد، از سه عامل متفاوت تشکیل می‌شد: ۱- نفعی که از طرف دولت و یا اشخاص اداری نمایندگی می‌شد؛ ۲- نفعی که از شیوه‌های خاص و جدای از شیوه‌های نفع خصوصی اداره می‌شد؛ ۳- نفعی که متوجه عموم و مردم و جامعه باشد. تفاوت میان این دو حوزه به گونه‌ای امروزی، نخست در

فرانسه پدیدار شد که نظام سلطنتی به تجدید ساختار کشور همت گماشت و در قرن ۱۹ بود که که استقلال رشته حقوق عمومی به روشنی چهره خود را آشکار ساخت (۴). استقلال نفع عمومی از نفع خصوصی همواره با دو رویکرد و نگاه متفاوت در میان نظام‌های حقوقی همواره بوده است. نگاه نخست نگاهی با تقدم همیشگی نفع خصوصی شهروندی بر حوزه نفع عمومی بوده مگر در موارد استثنا؛ نگاه دوم نگاه تقدم نفع عمومی بر خصوصی است، نگاهی که در آن نفع عمومی همواره بر نفع خصوصی برتر دانسته می‌شود.

رویکرد تقدم نفع اقتصادی شهروندان

این رویکرد و نگرش اومانيسم یا اصالت فرد در مقابل اصالت جامعه قرار می‌گیرد. در اچارچوب این نگرش، «جامعه» هیچ‌گونه اصالتی ندارد و نباید چیزی جز مجموع تک‌تک افراد به حساب آید. این افراد می‌بایست به عنوان یک واقعیت قائم به ذات در نظر گرفته شوند و جامعه پیش از هرچیز تجلی اراده معنادار یکایک افرادی است که می‌خواهند در چنین ساختی زندگی کنند (۵).

طبیعی است در چارچوب چنین رویکردی نفع عمومی و یا هر چیزی که بر هویت جمعی منطبق باشد، چیزی جز یک پندار یا اعتبارسازی نیست و این نفع شخصی و انگیزه‌های فردگرایانه است که مستقلاً واقعیت و موضوعیت داشته و تنها تک‌تک افراد هستند که یک موجود قائم به ذات و واقعی محسوب می‌شوند (۶).

در میان دانشمندان اسلامی افرادی بوده‌اند که به گونه‌ای گرایش به طرف اصالت فرد داشته‌اند. از میان آن‌ها می‌توان به فارابی، ابن باجه و ابن سینا، در میان متفکرین و نظریه‌پردازان قدیم اسلامی اشاره کرد. در اندیشه این متفکران به لحاظ فلسفی گرایش‌های فردگرایانه دیده می‌شود. مطالعه و تحلیل آثار برخی اندیشمندان اسلامی که به نحوی از انحاء سعادت را در رابطه فرد و جامعه در نظر داشته‌اند، دلالت بر آن دارد که هم فرد و هم فردگرایی در اندیشه آنان محلی از تأمل را به خود مشغول داشته است، اما کمیت و کیفیت آن به گونه‌ای خاص بوده است. فارابی مؤسس فلسفه جهان اسلام و آغازگر تأملی فلسفی در باب سیاست و جامعه است. او جامعه و شهر را مخلوق انسان می‌دانست (۷). وی همچنین فضیلت و ردیلت مدینه را نه بر حسب جوهر وجودی جامعه و این‌که جامعه چیزی بیش و مستقل از اعضا و

اتباعش است، تعریف می‌کند، بلکه برعکس، فضیلت جامعه بستگی به علم و عمل اتباعش دارد. به بیان دیگر برای فارابی برخلاف افلاطون، شهر از پیش خود، عینیت و تجسمی ندارد و به واسطه اتباعش به فاضله و غیر فاضله تعریف می‌شود.

در مورد ابن باجه نیز گفته می‌شود که وی با نوشتن رساله «تدبیر الموحد» نماینده جریان فکری فردگرایی در جهان اسلام فلسفی است، البته فردگرایی ابن باجه با فردگرایی رایج امروز متفاوت است (۷).

در اندیشه ابن سینا نه بالطبع، بلکه بالعرض و به منظور به دست آوردن کمال مطلوب افراد در زندگی خود، نیازمند گردهمایی و زندگی مدنی هستند (۸). گرایش به اندیشه اصالت فرد در میان اندیشمندان امروزی نیز در جهان اسلام وجود دارد. از میان آن‌ها می‌توان به آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی اشاره کرد. ایشان با به نقد کشیدن آرای دیگر اندیشمندان اسلامی، مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری، اصالت جامعه را به هیچ صورت قابل دفاع نمی‌دانند، چه در جایگاه مستقل و چه در جایگاه تلفیقی با اصالت فرد (۹). وی بر این باور است که می‌توان به وجود حقیقی جامعه باور نداشت و در عین حال به قوانین اجتماعی به معنای قوانین حاکم بر ارتباطات متقابل حاکم بر گروه‌ها و قشرهای مختلف جامعه قائل بود. سر مطلب در این نکته نهفته است که هرچند جامعه وجود حقیقی ندارد و مفهوم جامعه مفهومی اعتباری است و انتزاعی، اما منشأ انتزاع این مفهوم، وجود عینی خارجی دارد. به اعتبار همین منشأ انتزاع موجود در خارج است که قوانین اجتماعی حقیقی و عینی هستند (۱۰).

البته بی‌گمان این‌گونه نیست که این اندیشه، اندیشه غالب در تفکر اسلامی باشد. اندیشه غالب در تفکر اسلامی اندیشه اصالت «فرد و جمع» است. اندیشه‌ای تلفیقی که علامه طباطبایی و شهید مطهری از مدافعان آن می‌باشند. شاید نخستین اندیشمند اسلامی که به این مسأله به گونه‌ای امروزی پرداخت علامه طباطبایی بود که در تفسیر میزان بدان پرداخته است و بعدها شهید مطهری هم ادله استاد طباطبایی را تقویت می‌کند (۱۰). دیدگاه اصالت فرد و جامعه بر این باور است که هر دو دیدگاه بهره‌هایی از حقیقت دارند، ولی در تفسیر برخی مسائل انسانی ناتوانند (۱۰).

شهید مطهری چنین استدلال می‌کند که افراد جامعه به عنوان اعضای تشکیل‌دهنده آن، پیش از ترکیب با هم هویت و آثار خود را دارند و بعد از ترکیب هم با هویت و آثار جدیدی

ظاهر می‌گردند، اما نه به گونه‌ای که هویت و آثار پیشین آن‌ها محو گردد، بلکه این دو هویت به نوعی در طول یکدیگر قرار می‌گیرند. در این معناست که هم فرد و هم جامعه اصالت دارند، یعنی فرد به خودی خود اصالت و هویت دارد و با ورود به جامعه هویتی ثانوی و آثاری جمعی نیز پیدا می‌کند (۱۱). دلائلی نیز از قرآن برای ادعای خود در تأیید ادعای علامه طباطبایی ارائه می‌کند. برای نمونه زمان‌هایی که قرآن برای امت‌ها (جامعه‌ها) سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل طاعت و عصیان قائل است، یعنی وجود جامعه را به رسمیت شناخته است. اگر جامعه واقعیت نداشت این‌ها هم معنا نداشت.

به هر روی این بدان معنا نیست که در اندیشه اسلامی و نظام حقوقی اسلام نشانی از تقدم نفع خصوصی بر نفع عمومی دیده نمی‌شود، بلکه در حقوق اسلامی نیز نگاهی مبنی بر تقدم همیشگی نفع خصوصی بر نفع عمومی وجود داشته و دارد. برای بهتر روشن شدن این مطلب به بررسی برخی مصادیق آن می‌پردازیم.

در فقه حقوقی اسلام قواعدی وجود دارند که دارای وجوهی برای استفاده در زمینه تقدم نفع خصوصی بر نفع عمومی هستند، از جمله این قواعد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- قاعده «الناس مسطون علی اموالهم» حدیث نبوی است؛ این قاعده که به عنوان قاعده تسلیط شهرت دارد، بیانگر این امر است که مردم بر آنچه مالکند مسلط بوده و هر گونه تصرف در آن را می‌توانند بکنند و کسی حق ندارد به زور در تصرف و تسلط آن‌ها بر اموالشان دخالت کند، حتی دولت.

- قاعده لاضرر «لاضرر و لااضرار فی الاسلام؛ حکم ضرری در اسلام وضع نشده است» (ماده ۱۵۰ قانون مدنی) که در واقع نفع عمومی طبق این قاعده اگر خلاف حقوق کسی باشد، از بین می‌رود، هرچند ممکن است خلاف آن نیز در نظر گرفته شود که نفع خصوصی نمی‌تواند منجر به خدشه وارد شدن بر نفع عمومی باشد.

- قاعده «من استخرج ماء فیه له؛ هر کس آبی را استخراج کند، از آن اوست» (ماده ۱۰ قانون مدنی)، یعنی در واقع در امور و منابع طبیعی نفع خصوصی (یعنی شخصی که آن را ایجاد و یا استخراج کرده است) بر نفع عمومی (که می‌گوید منابع طبیعی متعلق به همه مردم است) مقدم شمرده شده است، هرچند امروزه دیگر این قاعده در حقوق ما اجرا نمی‌گردد.

- قاعده «اکل مال به باطل یا ایها الذین امنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض منکم...» اموال یکدیگر را به ناحق نخورید، مگر این که بر اساس تجارتی رضایت آمیز باشد» (۱۲)، یعنی تملک اموال دیگران مگر به تجارت و رضایت باطل است و نمی توان به بهانه های نفع عمومی اموال مردم را تملک کرد.

- قاعده «اوفوا بالعقود» به پیمان ها و قراردادهای خود وفا کنید» (۱۲)، یعنی تحت هر شرایطی مگر موارد ذکر شده در شرع هر دو طرف معامله و قرارداد باید به پیمان خود وفا نمایند، حال می خواهد دولت باشد یا یک فرد عادی. پس دولت نمی تواند به علت اقتضای نفع عمومی قرارداد خود را با اشخاص خصوصی بدون علت دیگری فسخ کند و یا تغییر دهد.

- قاعده در؛ «الحدود تدرا بالشبهات؛ اجرای حدود با حصول شبهه متوقف می شود» (۱۳). این قاعده را (و همچنین مواردی که اجرای حدود را در شرایط بسیار سخت قرار می دهد)، می توان نشان از تقدم نفع خصوصی بر نفع عمومی دانست، ولی نه به گونه مضر آن. در واقع در نگاه نخست شاید به نظر برسد که به نفع عموم و جامعه است که مثلاً حد بر فرد زناکار و یا سارق جاری گردد، ولی نظام حقوقی اسلام شرایط اجرای این حدود صورت نمی پذیرد. پس شاید بتوان به گونه ای آن را یکی از موارد تقدم نفع فردی دانست. در این مورد میان علمای کشور اختلافاتی وجود دارد که نشان می دهد همچنان بسیاری از کارشناسان حوزه اسلامی قائل به تقدم نفع خصوصی بر نفع عمومی می باشند. برای نمونه می توان از موارد و اختلافاتی که پس از انقلاب بر سر تصویب پاره ای از قوانین به وجود آمد، یاد کرد.

رویکرد تقدم نفع عمومی

یکی از دغدغه های نظام حقوقی اسلام که ریشه در مقررات فقهی دارد، تأمین منافع عمومی و مصالح عامه بوده است. این واقعیت اجتماعی چنین می طلبد که مصالح عامه به موازات تحولات اجتماعی و تغییر پدیده های آن، تبدیل پذیر باشد و اگر مصالح مردم را پایه وضع قوانین اجتماعی بدانیم، تحول احکام شرعی بر طبق تحولات زمان و همچنین تأثیر از مظاهر محیط در آن، لازم و معقول به نظر می رسد.

بنابراین واژه کلیدی ما در این بحث، مفهوم «مصلحت» است. مصلحت برگرفته از «صلح» مأخوذ از زبان عربی و در مقابل مفسده، صواب، شایستگی، صلاح و صلاح کار قرار دارد. برخی

این واژه را از حیث وزن و معنی مساوی واژه «منفعت» دانسته‌اند (۱۴). مصلحت در اصطلاح علمای شریعت عبارتست از منفعتی که شارع مقدس آن را برای حفظ دین و نفس و عقل و نسل و مال ایشان قصد نموده است، هرچند مصلحت یک مفهوم عرفی است و در عرف مطلق کمالات و منافع و خیرات را مصلحت گویند، ولی هنگامی که مصلحت در حوزه حاکمیت و شریعت مطرح می‌شود، در یک نگاه، مفهوم وسیع و گسترده‌تری پیدا می‌کند، زیرا منافع و خواسته‌های معنوی را نیز فرا می‌گیرد، اما از جنبه دیگر محدود می‌شود، زیرا تمامی منافع و خواسته‌های مادی و دنیوی را دربر نمی‌گیرد، بلکه خواسته‌ها و نیازهایی را تحت پوشش قرار می‌دهد که در تضاد و اصطکاک با خواسته‌های معنوی نباشد. این مصالح و منافع ممکن است شخصی و خصوصی و یا عمومی و نوعی باشند. انسان در سایه این منافع و مصالح به تکامل می‌رسد. شریعت نیز از پی تکامل انسان است و این هدف در بطن قوانین شرعی متبلور می‌شود. بر این اساس باید گفت مصلحت در مقابل مفسده به طور کلی پایه و اساس تمامی احکام شرع محسوب می‌شود که مورد اتفاق همه مذاهب و فرق اسلامی می‌باشد، یعنی هر آنچه که از طرف شارع واجب شمرده شد، دارای مصلحت و در مقابل آنچه که حرام شده، دارای مفسده و مضرات می‌باشد.

مبنای کلیه قوانین بشری نیز جلب مصلحت و به عبارتی نفع انسان می‌باشد، البته با این تفاوت که قوانین بشری تنها مصالح دنیوی را مبنای قوانین قرار می‌دهند، اما در شریعت هم مصالح دنیا و هم مصالح آخرت‌بندگان مورد توجه قرار می‌گیرد (۱۵). در راستای همین مصالح بشری بیشتر فقیهان و مجتهدان اسلامی، اصولاً قاعده تغییر قوانین را پذیرفته‌اند، ولی اختلاف در موردی است که نص روشنی از کتاب و سنت وجود دارد، زیرا نصوص، قوانین مقدس اسلامی به شمار می‌روند و دست‌زدن به ترکیب آن‌ها را نمی‌توان سرسری انگاشت.

تبلور حقوق اقتصادی شهروندی در اصل مالکیت

در این رابطه امام خمینی (ره) به عنوان یک اسلام‌شناس سرآمد و مجتهد جامع‌الشرایط اصل مالکیت انسان را قبول دارد و احکام و مقررات فراوان آن را در کتاب‌های فقهی استدلالی و فتوایی بیان کرده است، اما در مورد حدود مالکیت با توجه به مقتضیات اجتماعی و مصالحی که توسط حکومت مشروع اسلامی تشخیص داده می‌شود، سخنانی دارند. ایشان یکی از اختیارات

ولی فقیه را اختیار محدود کردن اموال در صورتی که «مصالح مسلمین» اقتضا کند، می‌دانند. فرموده‌اند: «... در اسلام اموال مشروع و محدود به حدودی است و زائد بر این معنا ما اگر فرض کنیم که کسی اموالی هم دارد که خیر اموالش هم مشروع است، لکن اموال طوری است که حاکم شرع، فقیه، ولی امر تشخیص داد که این به این قدر که هست نباید این قدر باشد، برای مصالح مسلمین او می‌تواند قبض کند و تصاحب کند و یکی از چیزهایی که مترتب بر ولایت فقیه است و مع الاسف این روشنفکرهای ما نمی‌فهمند که ولایت فقیه یعنی چه، تحدید این امور است. مالکیت را در عین حال که شارع مقدس محترم شمرده است، لکن ولی این امر می‌تواند همین مالکیت محدودی که ببیند خلاف صلاح مسلمین و اسلام است، همین مالکیت مشروع را محدودش کند به یک حد معینی و با حکم فقیه از او مصادره بشود» (۱۶).

با توجه به قانون اصولی «اهم و مهم» آن مصلحتی که حکومت مشروع اسلامی بر پایه آن حق مالکیت را محدود می‌کند باید بالاتر و مهم‌تر از حق شناخته شده مالکیت شخص باشد. برای مثال اگر کسی اموال هنگفت خود را وسیله‌ای برای تجاوز و تعدی به مردم یا توطئه بر علیه حکومت اسلامی قرار می‌دهد و یا به وسیله آن نظام اقتصادی کشور را در خلاف جهت منافع عمومی مختل می‌سازد، جای این دارد که با رعایت و توجه به شرایط و اوضاع احوال جامعه با او برخورد گردد. ممکن است این برخورد فقط در صورتی که اموال و دارایی‌های او تصرف گردد، مؤثر باشد در این صورت است که حق مالکیت با محدودیت رو به رو می‌گردد. در همین راستا در فرمان هشت ماده‌ای مشهور (تاریخ ۱۳۶۱/۹/۲۹) نوشته‌اند: «هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیر منقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید، مگر به حکم حاکم شرع؛ آن هم از پس بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی» (۱۶). «ثبوت حکم از نظر شرعی» با این مفاد که اجازه دهد در اموال مردم تصرف شود برهان مبنای پیش گفته و بر اساس تشخیص مصلحت می‌تواند باشد، چنانچه در نامه معروف به ریاست جمهور وقت درباره اختیارات ولی فقیه فرموده‌اند: «حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند...» (۱۶). خیابان کشی از مصالح عمومی است که می‌تواند حق مالکیت خصوصی را تحت شعاع قرار دهد، البته در همین جا تأکید شده است که باید قیمت منزل به مالک آن پرداخت شود، چراکه مصلحت عمومی در تصرف منزل برای خیابان کشی و با پرداخت قیمت خانه به مالک آن

منافاتی ندارد. در واقع تا جایی که ممکن است باید بین مصلحت عمومی و حق مالکیت خصوصی جمع شود و هر دو رعایت گردد. قیمت خانه را به مالک آن دادن از آثار رعایت مالکیت خصوصی است که با مصلحت قابل جمع است. تشخیص مصلحت در برابر حق مالکیت در مورد حقوق مالی که در اثر قراردادهای شرعی مردم با حکومت ایجاد می‌شود هم صادق است. فرموده‌اند: «حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک‌جانبه لغو کند».

تبلور حقوق اقتصادی شهروندی در رابطه کارگر و کارفرما

دومین موردی که حقوق اقتصادی شهروندی با منافع عمومی تعارض پیدا کرد و حضرت امام (ره) به مسأله ورود پیدا کردند، جریان تصویب قانون کار بود. در این رابطه دیدگاهی مبتنی بر نفع عمومی و مصلحت همگانی وجود داشت که بنیانگذار انقلاب اسلامی در صدر این دیدگاه بود. پس از رد طرح قانونی اراضی شهری در سال ۱۳۶۰ توسط شورای نگهبان، رییس وقت مجلس شورای اسلامی نامه‌ای به امام خمینی نوشته و در آن بر اساس «ضرورت حفظ مصالح» و «دفع مفاسد بر حسب احکام ثانویه» خواستار اعمال ولایت و تنفیذ مقام رهبری و ارشاد ایشان شد. حضرت امام (ره) در جواب این نامه نوشتند: «فعل و یا ترک فعل موجب اختلال نظام و ضرورت ترک فساد و حرج را وکلای مجلس با اکثریت تشخیص می‌دهند و تصویب و اجرا می‌گردد و پس از رفع موضوع خود به خود لغو می‌گردد. هر کس از متصدیان از حدود تجاوز کند، مجرم شناخته می‌شود» (۱۳).

بنابراین امام اصل «ضرورت» را راه‌کاری برای تقدم نفع عمومی بر نفع خصوصی دانسته‌اند و این اصل را بر نصوص آیات قرآن و احادیث مقدم دانسته‌اند. در نهایت هم این قانون به همان دلیل ضرورت به تأیید شورای نگهبان رسید. همچنین در مورد تصویب لایحه قانون کار نیز که در سال ۱۳۶۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید؛ حضرت امام خمینی (ره) از باب حفظ حقوق شهروندان ورود پیدا کردند. در این لایحه که برای حمایت هرچه بیشتر از کارگران و مستضعفان بود، الزاماتی بدون رضایت کارفرما بر او اعمال می‌شد. شورای نگهبان نیز ایرادات مفصلی از باب مغایرت با موازیت فقهی از این مصوبه گرفت. حتی آیت‌الله خامنه‌ای رییس‌جمهور وقت در نماز جمعه شرط الزامی بر دوش کارفرما را صرفاً در چارچوب احکام اسلام ممکن

دانستند و نه فراتر از آن، البته امام خمینی (ره) همواره نگاهی مبتنی بر حمایت از قشر کارگر داشتند. ایشان با تکیه بر کار، بر حق و تکلیف بودن زمان آن اشاره کردند: «همه مردم حق دارند و مکلفند که کار کنند» (۱۶). در همین باره و در پاسخ به پرسش از آزادی شغل برای مارکسیست‌ها فرموده‌اند، در اسلام آزادی انتخاب شغل بر هر فردی بر حسب ضوابط قانونی محفوظ است. ایشان همچنین با بنیانگذاری حکومت جمهوری اسلامی در پی تحقیق کرامت و ارزش از دست‌رفته کارگران برآمدند. امام با توجه به شرایط موجود و عدم در دسترس بودن امکانات اولیه برای اقشار محروم و با تأکید بر این که باید در جهت تکافل اجتماعی و رسیدن به سطح متوسط اجتماع برای این اقشار گام‌هایی برداشت می‌فرماید: «و الان هم بررسی‌هایی شده است الان طرح‌هایی داده شده است و شاید در رادیوها... شنیده باشید که طرح‌هایی هست برای این که هم کار پیدا بشود برای بیکارها و هم ساخته بشود یک چیزهایی، هم راجع به خانه سازی‌ها در همه سطح کشور و هم راجع به راهسازی که البته این جاهایی که عقب‌افتاده‌تر است مقدمند و اینطور نیست که همه، مثل سابق همه چیز منحصر بشود به مراکز. خیر؛ بنابراین است آن جاهایی که دورافتاده‌ترند احتیاجشان بیشتر است، جلو باشند؛ مقدم باشند» (۱۶). این موارد نشان از نگاه مبتنی بر تقدم نفع و حقوق خصوصی بر نفع و حقوق عمومی در نگاه حضرت امام خمینی (ره) می‌باشد.

نقش امام خمینی (ره) در تحقق حقوق اقتصادی شهروندی: مثال قانون زمین شهری

مورد بعدی مربوط به قانون زمین شهری بود. در اوایل انقلاب، دولت و مجلس قوانینی را به تصویب می‌رساندند که گاه جنبه بنیادین داشت و هدف آن‌ها زدودن آثار حکومت طاغوت و دادن امکانات بیشتر به محرومان و مستضعفان جامعه و فراهم‌ساختن تسهیلات بهتر برای آنان بود. اعضای شورای نگهبان نیز بر اساس کارویژه خود طبق قانون اساسی به خلاف شرع نبودن این مصوبات نظارت داشتند. مجلس با دید کلی مصلحت اندیشی (و در واقع بر اساس نفع عمومی) برای جامعه و رعایت حال مستضعفان و محرومان و مبارزه با استثمار و بهره‌کشی از ضعفا قوانینی را مقرر می‌داشت، ولی شورای نگهبان با مبانی فقهی که در دست داشت، بسیاری از این موارد را به علت مغایرت با موازین فقهی مورد تأیید قرار نمی‌داد (بر اساس همان مبانی تقدم نفع خصوصی بر نفع عمومی). در واقع کارشناسان فقهی مانند بسیاری دیگر در شورای

نگهبان دارای همان نگاه تقدم حقوق خصوصی در نظام حقوقی اسلام بودند. یکی از این قوانین مورد اختلاف قانون اراضی شهری بود که در مرداد سال ۱۳۶۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. بر اساس این قانون مالکین اراضی بایر و دایر شهری - بدون آنکه در قانون از اراضی دایر تعریفی به عمل آمده باشد - را موظف نمود تا زمین‌های مورد نیاز دولت یا شهرداری‌ها را با تقویم دولت به آن‌ها بفروشند و حتی دولت مجاز گردید در صورت استنکاف یا عدم مراجعه یا عدم دسترسی به مالک پس از اعلام وزارت مسکن و با وجود تعارض ثبتي و در وثیقه‌بودن ملک و هرگونه اشکالات حقوقی دیگر که مانع از انجام معامله دولت گردد، زمین را تملک و حسب مورد وزارت مسکن و شهرسازی و یا شهرداری به قائم مقامی مالک سند انتقال را امضا نماید. این قانون که اساسش محدودکردن اختیار مالک بود از سوی شورای نگهبان به دلیل مغایرت با آیه کریمه «لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض» و حدیث شریف معروف «لا یحل مال امرأ مسلم الا عن طیب نفسه» و قاعده مسلمة «الناس مسلطون علی اموالهم» به نظر اکثریت فقها مغایر با موازین شرعی اعلام شد، یعنی فقهای شورای نگهبان در این مورد نفع عمومی را یا در نظر نگرفته‌اند و یا نفع خصوصی را بر آن مقدم دانسته و بر موضع خود نیز پافشاری می‌کنند. در نهایت هم که به امر امام خمینی این مسأله حل می‌شود باز هم در مورد مجوز رفع ید توسط دولت در مورد قانون اراضی شهری مصوبه مجلس را خلاف شرع تشخیص می‌دهد و توجیه ضرورت در باب نفع عمومی را در تمام کشور نمی‌پذیرد و آن را خلاف موازین شرعی تشخیص می‌دهد. این پافشاری فقهای شورای نگهبان به همین ختم نمی‌گردد و دبیر شورای نگهبان در سال ۱۳۶۴ نامه‌ای به امام خمینی (ره) نوشته و از این مسأله ابراز نگرانی می‌کند: «اگر خطر این که مجلس در زمانی بتواند مانند دوره گذشته قوانین خلاف شرع وضع نماید با در نظر گرفتن شورای نگهبان دفع شده است، اینک همان خطر بدین گونه بازگشته است و این امکان حاصل شده است که با عنوان ضرورت هر حلالی حرام و هر نوع حرامی حلال و قانونی اعلام گردد» (۱۳).

نتیجه‌گیری

در این مطالعه به مسائل متفاوتی در رابطه با مفهوم حقوق اقتصادی شهروندی و تمایز آن از منافع و حقوق عمومی پرداخته شد. در این رابطه نگرش‌هایی دال بر استقلال منافع عمومی

از حقوق اقتصادی شهروندی دیده می‌شود. در نظام حقوقی اسلام نگرشی سنتی با مقدم دانستن منافع و حقوق اقتصادی خصوصی بر نفع عمومی و مستقل دانستن این دو از هم وجود دارد که این رویکرد سنتی تا پس از انقلاب اسلامی و در گرایش شورای نگهبان و گونه تفسیر آن‌ها از شرع دیده می‌شد. در مقابل آن رویکردی با نگرش تقدم نفع عمومی بر منافع اقتصادی خصوصی بود که امام خمینی (ره) در برابر رویکرد شورای نگهبان با بیان این که حکومت خود از احکام اولیه است و بر همه احکام فرعیه مقدم است، گرایش را تقویت کردند. با این حال اکنون پس از تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، گرایش‌های متمایل به تقدم حقوق اقتصادی خصوصی و نفع عمومی در هم آمیخته شده و با رویکردی که رعایت منافع عمومی در آن، به عنوان ضابطه و در قالب مصلحت پذیرفته شده، در عرصه حقوق کشور پدیدار گردیده است.

در نظام حقوقی اسلام نه تنها در حیطه حقوق، بلکه فراتر از آن نیز ممکن است در مواردی که ضرورت و یا مصلحت و یا همان نفع عمومی ایجاب کند با ابزارهای متفاوتی از جمله احکام حکومتی در این مورد اقدام کرد. مسائلی که در این مورد باقی می‌ماند یکی اصل موقتی بودن این اقدامات در حقوق اسلام است که در کشور ما چندان مورد توجه نیست. دیگری نیز این است که تشخیص نفع عمومی و مصلحت بر طبق تئوری امام خمینی (ره) از طریق مجلس و نمایندگان مردم نیز ممکن است. در حقوق اسلام به ویژه در مذهب شیعه تا پیش از دستیابی به حکومت، مفاهیمی چون مصلحت بیشتر در حقوق خصوصی و در موارد تراحم احکام خصوصی با هم در مورد دین، نفس، جان و مال استفاده می‌شده است.

به جز این در حقوق اسلام به ویژه پس از انقلاب اسلامی بیشتر در راستا و حوزه حقوق عمومی مورد توجه بوده است. بنابراین می‌بینیم که دیدگاه حضرت امام خمینی، دیدگاهی جامع و نظام‌مند است. از سویی ایشان نظریه مصلحت را در طول دوران پس از انقلاب اسلامی به صورت جدی به کار گرفت و در مقام عمل با کمبودها و منافع آن رو به رو گردید و دشواری‌ها گوناگون آن را شناسایی کرد و به دنبال دست‌یافتن به بهترین راه تشخیص مصلحت بود و آن را به نهادهایی همچون مجلس، دولت، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذار نموده بود.

از سوی دیگر امام خمینی (ره) توانست عملاً میان مصلحت و اجرای حکم شرعی هماهنگی برقرار نماید و به نسل‌های بعد از خود بفهماند که در فقه سیاسی شیعه مصلحت‌های فردی و اجتماعی مردم نه تنها با هم در ستیز نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند و هرگاه هر دو با هم در تصمیم‌های رهبری جامعه در نظر گرفته شوند، جامعه به سوی سعادت رهنمون خواهد شد.

References

1. Rousseau Jean J. Social Contract. Translated by Kalantariyan M. Tehran: Nashr-e Agah; 2007.
2. Aghini M. Economic Thoughts of Imam Khomeini. Tehran: Journal of Hozoor. 2018; 9: 119.
3. Khomeini R. Sahife Noor. Tehran: Institute for the Setting up and Publishing of Imam Khomeini Works; 1979. p.128-129, 176-177, 213.
4. De Michelle A. Public law. Translated by Ghazi Shariat Panahi A. Tehran: Nashr-e Dadgostar; 1997.
5. Freund J. Sociology of Max Weber. Translation by Nik Gohar AH. Tehran: Nikan Pub; 1983.
6. Momeni F. Individual and Collective Interests in Structural Adjustment Process. Nameye Mofid Journal 2000; 3(23): 3-24. [Persian]
7. Bahranei M. Individualism and Philosophical Individualism in the Political Philosophy of Muslims. Political Science 2007; 10(38): 89-97. [Persian]
8. Shakouri A. Ibn Sina's Political Philosophy and its Influence on the Next Period. Qom: Aql Sorkh Pub; 2005. [Persian]
9. Suzanchi H. Authenticity of Individual or Society or Both. Political Science 2006; 11(42): 117-225. [Persian]
10. Mesbah Yazdi MT. Society and History in the View of the Qur'an. Tehran: Islamic Development Organization; 1989. [Persian]
11. Kellini J. Al-Fiq. Tehran: Dar al-Kabul al-Islamiyyah Pub; 1994. Vol.4.
12. Holy Quran. Al-Baqarah: 143.
13. Mehrpour H. Expediency Council and its Legal Status. Journal of Legal Research 1992; 10(50): 7-56. [Persian]
14. Dehkhoda A. Loghatname. Tehran: Tehran University Press; 1998. Vol.5. [Persian]
15. Taqavi MN. Examining Expectations in the Islamic Political System, Tehran: Imam Sadiq University; 1997. [Persian]
16. Khomeini R. Sahife-e Imam. Tehran: Imam Khomeini Institute; 2006. Vol.20. [Persian]